

میدون و سوفیا

توصیه‌هایی برای پدر و مادران آماتور-۴ شناسنامه خاکی بهتر است یا خونی؟



✎ **پوریا عالمی**

● پس دیروز متوجه شدیم شناسنامه وطنم وطنم و وطنم باره تم ایران خیلی بازارش است به شرطی که شما پاسپورت را فاکتور بگیرید!

حواستان باشد هر کشوری با ایران قصه کند، اول از همه انگشت می‌کند توی چشم شهروندان! همین الان دانشمندی به نام ترامپ آمده که برای اینکه حال ظریف و روحانی را بگیرد، ورود مردم ایران را به آمریکا ممنوع کرده، با شما بخواهی بروی اروپا، یک طوری توی سفارتخانه باهاش برخورد می‌کنند انگار شما مسئول حرف‌ها و اعمال احمدی‌نژاد و اینا هستی. خلاصه حواستان باشد که ممکن است شما کلیه‌تان را بفروشید تا بچه را ببرید در خاک خارج به دنیا بیاروید، اما خیلی کشورها به خون شناسنامه می‌دهند نه به خاک؛ یعنی شما روی خاک اروپا بچه را به دنیا می‌آوری، اما شناسنامه نمی‌دهند به بچه. درواقع به اروپایی‌ها تا خون ندهی رضایت نمی‌دهند، اما وقتی خون بدهی دیگر احترام خونت را نگه می‌دارند. پس اروپایی‌ها روی خاک حساس نیستند و روی خون حساس هستند. برای همین ما ایرانیان وقتی می‌رویم سفارتخانه، جای اینکه سند و دعوت‌نامه ببریم، بهتر است همان اول بگویم قوانین را خوانده‌ایم و ما با خاک آنان کاری نداریم و به خون آنان نظر داریم و حاضریم خونمان را در این راه اهدا کنیم تا بچه شناسنامه بگیرد، ولی زهی خیال باطل. برخلاف اروپایی‌ها، آمریکایی‌ها و کانادایی‌ها قضیه خون برایشان کاملا حل شده. آمریکا سخت اجازه می‌دهد بروی توش، اما وقتی اجازه داد، تقریبا از هفت دولت آزادی و می‌توانی سه‌سوت ازدواج کنی و خریدوفروش کنی و حتی بچه به دنیا بیآوری و شناسنامه برایش بگیری و حالش را ببری. پس امروز توصیه ما چی شد؟ وقتی می‌خواهید بچه را بیرون از ایران به دنیا بیاورید دقت کنید.

■ ■ ■

فردا توصیه‌هایی درباره دوران بارداری بروز می‌دهیم، میدون و سوفیا (پدر و مادر توصیه ایران)

پیشخوان

درنگی بر فقر چشم‌انداز

چشم‌انداز ایران، دوماهنامه سیاسی و راهبردی، ویژه اسفند و فروردین به مسئله مهمی که این‌روزها گریبان بسیاری را گرفته است اختصاص دارد؛



«مسئله فقر... درنگی بر فقر این‌بار در گفتارهایی از فریبرز رئیس‌دانا، سعید مدنی، سارا شریعتی، احمد مدیری و... بررسی و تحلیل شده است.

همچنین طرح سؤال که شهرداری یا شهرخواری؟ از دیگر پرونده‌های این نشریه است که در آن حجت‌الله میرزایی داستان شهری را که ورشکسته شده، بازگو کرده است. این نشریه به مسائل مهم دیگری نیز پرداخته است؛ ازجمله به روند تاریخی قطع‌نامه ۵۹۸ تا برجام و اقتصاد جذاب مواد مخدر در گفت‌وگو با علی هاشمی.

مهدی غنی، پژوهشگر، به مطالبی که این‌روزها از سوی برخی براندازان و سلطنت‌طلب‌ها مطرح می‌شود، جوابی مستدل داده است. محمد احمدی به سرگذشت فلسطین، سرزمین خون و قیام پرداخته و در بخش خارجی نیز مطالبی از زانت ریتمن با عنوان «خطر راست افراطی در آمریکا» منتشر شده است.

لطف‌الله میثمی، مدیرمسئول این نشریه است که در گام ۱۱۴ قرار دارد و این‌بار در ۱۲۸ صفحه و ۱۵ هزار تومان منتشر شده است.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۷ ۳ رجب ۱۴۴۰ ۱۰ مارس ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۳۸۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنفرها



کارتون خواب

✎ **ادل رودریگز**

پرنده آبی

کوه یخ مدافعان تحریم

تویتر به‌عنوان شبکه‌ای که تعداد زیادی از اهالی رسانه و سیاست‌مداران ایرانی در آن حضوری فعال دارند، در چند روز گذشته ملتهب بوده است. بسیاری از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران قدیمی از شنیدن نام مرجان شیخ‌الاسلامی آل‌آقا، مدیرمسئول میراث‌خبر، در پرونده پتروشیمی و فساد بالای شش‌میلیارد یورویی که به دلیل تحریم‌ها رخ داده است، در تعجب و حیرت به سر می‌برند؛ به‌خصوص به دلیل ازدواج این فرد با یکی از مدافعان همیشگی تحریم، به‌شدت به این موضوع واکنش نشان داده‌اند. این موضوع که با هشتک‌های پتروشیمی گیت و خلجی گیت در شبکه‌های اجتماعی مطرح است، سبب شده درباره موضوعات دیگری نظیر تحریم، فساد و FATF نیز سخن گفته شود. پدram سلطانی دراین‌باره هشدار داده است: «از نظر اندازه و تواتر فسادهای اقتصادی بزرگ، رتبه نخست دنیا شدیم. این تازه نوک کوه یخ فساد است که از دریای پنهان‌کاری جرائم اقتصادی و پول‌شویی بیرون زده. سال‌ها طول خواهد کشید که بفهمیم تحریم چه تاراج ثروتی در ایران به وجود آورد. به مخالفتان با FATF

مدت‌هاست که عوارض دهشتناک آزار جنسی در کارکرد مغز اجتماعی کودکان بررسی و پژوهش می‌شود و نشان داده شده که کودکان در کشورهای سرمایه‌داری امروز در همه محیط‌ها ازجمله خانواده، مدرسه، مکان‌های ورزشی، پیشاهنگی و... در معرض خطر تجاوز جنسی قرار دارند؛ اما رسوایی‌های اخیر نشان می‌دهد که کودکان حتی در محل‌های مذهبی مانند کلیساها نیز از خطر تجاوز جنسی در امان نیستند. گزارش‌های در خفا مانده حاکی از این واقعیت دردناک است که در میان کشیشان راهب در کلیساهای کاتولیک تحت‌اقتدار اخلاقی تشکیلات مذهبی واتیکان نیز افرادی یافت می‌شوند که مرتکب اعمال آزار جنسی به کودکان می‌شوند. کافی است که بدانیم یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر در دنیا فقط عضو کلیسای کاتولیک هستند. به نظر می‌رسد که طبل رسوایی کلیسای کاتولیک از اوایل سال‌های ۲۰۰۰ به صدا درآمده است. در پژوهش‌های انجام‌شده در آن سال‌ها که ۷۰ سال قبل از آن را نیز شامل می‌شود، مدارک محکمی دال بر وجود موارد متعددی از آزار جنسی کودکان در تشکیلات کلیسایی کشورهای مختلف، ازجمله استرالیا، آمریکا و آلمان به دست آمده است. به نظر می‌رسد که آزار جنسی کودکان در کلیساهای کاتولیک از نظر تاریخی قدمتی طولانی و نامکشوف داشته باشد؛ اما تشکیلات مقتدر کلیسایی برای حفظ آبرو، اطمینان و اعتماد عمومی حاضر نبوده‌اند موارد مربوط به آزار جنسی کودکان را برای عموم افشا کنند. گزارش‌ها و اقدامات به‌عمل‌آمده به طور سری و پنهانی در این تشکیلات جریان داشته و پاپ



✎ **عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزی‌وه**

بندیکت شانزدهم از آن اطلاع داشته؛ ولی اراده‌ای برای علنی‌شدن و افشای گناهان پیش‌سوابان مذهبی کلیساها وجود نداشته است. درحالی‌که اقداماتی مخفیانه مانند مشاوره‌های روانی و درمانی، خلع لباس و جابه‌جایی‌هایی نیز در جریان بوده است. پژوهشگران علل بسیاری برای مخفی نگه‌داشتن تعرضات جنسی و به سکوت کشانده‌شدن قربانیان در محیط کلیساهای کاتولیک ذکر می‌کنند. ازاین‌میان می‌توان به چند علت اشاره کرد: اول اینکه این تشکیلات مقتدر در سرتاسر جهان غرب که خود را نماد پاسداری اخلاق متعالی در سطحی فراتر از جوامع مدنی می‌داند، خواستار حفظ موقعیت فرادستی اخلاقی در جوامع سکولار است. دوم اینکه این تشکیلات وسیع امکان دسترسی به نوعی حاشیه امن و مصونیت از تعرضات قانونی و حقوقی، گاه همدستانه از طرف حکومت‌های محلی، برای لایوشانی موارد تعرض جنسی به کودکان را دارد. سوم اینکه کشیشان، مقام والا و محترم همراه با اقتدار و ایهت و اغلب جذابی برای مؤمنان دارند و می‌توانند قربانیان خود را بفربیند تا آنها عمل تعرض‌جویانه جنسی را هم بخشی از اعمال به‌حساب می‌آورند. به عبارت دیگر متعرضان در لباس کشیش، گاه با شیوه‌های فریب‌کارانه موفق می‌شوند از اعمال خود قباح‌ت‌زدایی کنند و آنها را فعالی متعارف و جزء اعمال جلوه دهند. دیگر اینکه چون در کلیساهای کاتولیک کشیشان راهب به اختیار خود مجرد هستند و برای حفظ تزکیه نفس، ازدواج را بر خود حرام می‌دانند، برای عده‌ای عمل تعرض جنسی از طرف آنها، غیرقابل تصور به نظر می‌رسد؛ کمالیکه برای عده‌ای دیگر ممکن است عامل اصلی بروز کودک‌آزاری آنها به حساب آید. اکنون به نظر می‌رسد با به‌قدرت‌رسیدن پاپ فرانسیس و فشار نیروهای سکولار در جوامع سرمایه‌داری غرب، تشکیلات واتیکان تمایلی به اصلاحات در نحوه تفسیرهای دینی و افشاگری

مغز اجتماعی-۵۸

صدمات مغزی آزار جنسی در کودکان

در زمینه آزار جنسی در محیط کلیساها نشان می‌دهد. در این راستا پاپ سعی دارد به بحران موجود سر و سامانی بدهد و به مؤمنان اطمینان خاطر بدهد که در آینده محیط کلیساها از آلودگی تعرضات جنسی به کودکان پاک خواهد شد؛ ولی موضوع مهم در این زمینه، اثرات مخرب‌تر ضربه‌های عاطفی از طریق آزار جنسی بر کارکرد طبیعی مغز عاطفی شناختی اجتماعی در حال رشد کودکان در محیط‌های معنوی‌ای مانند کلیسا است؛ زیرا انتظار بروز چنین تعرضاتی در این مکان‌ها به طور معمول و عرف باید چیزی نزدیک به صفر باشد. به‌همین‌خاطر نیز به‌طور معمول ضریب اطمینان و اعتماد مردم به این مکان‌ها به‌عنوان آخرین پناهگاه مظلومان، محرومان، نیازمندان و افسار آسپ‌پذیر ازجمله کودکان بیشتر از هر مکان دیگر است؛ بنابراین شوک و تکان این اتفاقات در چنین مکان‌هایی آن هم از سوی افرادی که ظاهرا دست از لاذید زندگی معمول شسته‌اند و به‌عنوان راهبان ایمان، داوطلبانه خواستار خدمت‌رسانی به مردم مؤمن شده‌اند، به مراتب مخرب‌تر است؛ زیرا کمتر کسی انتظار آن را دارد. چنین ضربه‌های مهلکی می‌تواند نظام دفاعی و انعطاف‌پذیر مغز قربانیان را پس از واقعه چنان درهم بشکند که بازگشت‌پذیری به زندگی معمول بدون هراس و استیصال دائمی را مشکل و گاه غیرممکن کند. شرایط حاکم در کلیساها احساس شرم، گناه، تحقیرشدن و به سکوت کشاندن قربانیان آزار جنسی را به مراتب تشدید می‌کند. فاجعه‌بازتر این است که اغلب برای به تمکین واداشتن قربانی در حفظ توطئه سکوت و پنهان‌کاری، بخشی از گناه به دوش قربانی انداخته می‌شود. باین‌حال امروزه تجدیدنظر اساسی در سیاست پنهان‌کاری و سکوت در برابر واقعیت آزار جنسی کودکان در کلیساها به‌ویژه در تشکیلات تحت سلطه واتیکان اهمیت پیدا کرده است.

زنان

حس عمیق و دیرپای تبعیض

و درنهایت نیز به نتیجه‌ای نمی‌رسند و حس دشمنی با مردان را جایگزین حس تبعیض می‌کنند و درنتیجه انگیزه واقعی خود را برای مبارزه با تبعیض از دست می‌دهند و به کاهش تبعیض موفق نمی‌شوند. این گروه به‌جای مبارزه با عواملی که مردسالاری را به وجود می‌آورد، با مردان مبارزه می‌کنند و درنتیجه حمایت بخش‌های آگاه نیمی از افراد جامعه یعنی مردان را از دست می‌دهند.

اصل دوم مشارکت با همه کسانی است که فارغ از مرد یا زن بودن، به برابری زنان و مردان در زندگی اجتماعی پایبندند و تبعیض را پذیرا نیستند. مشارکت با مفهوم درست آن، یعنی مشارکت در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزشیابی اقدامات انجام‌شده. چنین مشارکتی با همه کسانی که با تبعیض جنسیتی موافق نیستند می‌تواند پایه‌های محکم اقداماتی باشد که برای کاهش تبعیض، ضرورت دارد. مسلمانا در کنار زنان توانمندی که تبعیض را نمی‌پذیرند، مردان آگاهی نیز هستند یا می‌توانند باشند که با تبعیض مخالفانند و می‌توانند در این زمینه، یاوران زنان در منع تبعیض باشند.



✎ **فاطمه قاسم‌زاده روان‌شناس کودک**

تبعیض در هر زمینه‌ای، ازجمله رفتارهای آسیب‌رسانی است که بر اساس شواهد موجود و تجربیات انجام‌شده، برای هیچ فرد و جامعه‌ای باید نه قابل‌پذیرش باشد و نه سودمند. به همین علت در متون حقوقی ملی و بین‌المللی مانند میثاق حقوق بشر، پیمان‌نامه حقوق کودک، قوانین اساسی کشورهای مختلف در بیشتر دستورات اخلاقی، دینی و اجتماعی بر منع آن تأکید شده است. باین‌حال از دیرباز تاکنون، شاهد انواع تبعیض در جوامع مختلف هستیم.

به نظر می‌رسد مشکل اساسی در ساختارهای اجتماعی- اقتصادی جوامع در نتیجه، دو نوع درک از مفهوم تبعیض است. به همین علت بسیاری از قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز ازنظر تدوین‌کنندگان آن که حافظان نظم موجود در جوامع مختلف هستند، تبعیض محسوب نمی‌شود و آن را به‌صورت امری طبیعی و درست مطرح می‌کنند. تا آنجا که حتی گروهی از افراد مورد تبعیض نیز آن را می‌پذیرند و به‌این‌ترتیب تبعیض، پایداری و دوام می‌یابد.

نمونه مشخص این نوع تبعیض، تبعیض بین زنان و مردان است که علت اساسی آن وجود جوامع مردسالار از اعصار دور، به دلایل مختلف بوده است و همین امر سبب شده که از دیرباز «حس عمیق و دیرپای تبعیض» در زنان که مورد تبعیض بوده‌اند، شکل گیرد.

این حس از آن نظر عمیق و دیرپاست که از قرن‌های دور بر اساس شواهد تاریخی و بر پایه تجربه‌های زیسته زنان شکل‌گرفته و از نسلی به نسلی منتقل شده است تا آنجا که شاید بتوان آن را نوعی «کهن طرح‌واره قومی» یونگ، روان‌شناس آلمانی دانست که به‌صورت ارثی از

۲۵ سال در کنار شما ایم.



سفارش تلفنی : ۴۸۸۴

%